

یادِ رفقای جان باخته (9)
زندگی مبارزاتی و مرگ خود خواسته
رفیق عطا مفاخری



عطا مفاخری

نوشته ای از رفیق رحمت مفاخری در مورد برادرش :
بیاد برابری طلبی های عطا مفاخری

« سال 1336 در خانواده ای کارگری در شهر سقز عطا چشم به جهان گشود. پدرش در مدارس کار میکرد و مادرش از طریق کارخانگی زندگی میگذراند. در اوایل دهه چهل خانواده اش به شهرسندج بازگشتند. بعد از تمام کردن دبیرستان و دانشسرای راهنمایی به تدریس در اطراف شهر کامیاران مشغول شد. سال 57 و بعد از 22 بهمن عطا با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر فعالیت میکرد. اما با شروع درگیریهای مسلحانه در کردستان در سال 58 به کومه له پیوست. ا. زهمان ابتدای فعالیتش در کومه له به دلیل بیداری طبقاتیش از تمایلات غیرانسانی که در کومه له میدان پیدا میکردند منجر بود. قبل از تاسیس حزب کمونیست ایران گاهی شکنجه زندانیان و اعدام آنها و همچنین کتک کاری پیشمرگان و زحمتکشان در کومه له اتفاق میافتاد و این با تفکرات او جور در نمیآمد.

سال 1361 در روستای "مائین دول" در منطقه سارال سندج زن و مردی از طرف کومه له حکم اعدام میگیرند. به عطا ماموریت شرکت در جوخه اعدام را میدهند. اما به دلیل مخالفتش اساساً با اعدام ابتدا از اینکار خودداری میکند. اما بمثابة قرار و دستور تشکیلات مجبور و موظف به اجرای آن میشود. آنروز عطا مهر غیرانقلابی بودن میخورد. رئیس آن دادگاه امروز عضو کمیته مرکزی همان سازمان است و اکنون نه آن رئیس دادگاه کومه له و نه دادستان آن دادگاه هیچکدام از حکم اعدام دفاع نمیکنند.

سال 1363 برای در میان گذاشتن نقطه نظراتش با دبیر اول وقت کومه له به نشست برخواست. باز هم به غلط مهر غیر انقلابی بودن میخورد. جالب اینجاست که پنج سال بعد همان نقطه نظرات عطا این بار بوسیله منصور حکمت مطرح میشود، اما او را کسی نمیتواند غیرانقلابی بنامد. عطا در زمستان سال 1363 متأسفانه گلوه ای را که باید در مخچه دشمنان بشریت شلیک میکرد در قلب خود نشاناند. یاد عزیزش گرامی باد.»

رحمت مفاخری فوریه 2009

XXXX

زندگی و مبارزه

رفیق عطا از خانواده ای مبارز و مسئول و درجوی رفیقانه و فعال پا به عرصه مبارزه گذاشت. فضای صمیمانه و رفیقانه خانواده اش و برادرانی که همه باهم فضا را برای رفاقت بازگذاشته بودند، برای هر کس که در آن محیط قرار میگرفت، مطبوع و خوش آیند بود. فضا صمیمانه بود و رفیقانه.

برادر کوچکتر خانواده (صلاح کوچولو و دوست‌داشتنی) تحت تأثیر این فضا و وجود چنین برادرانی در اوآن کودکی به راه مبارزه و شرکت فعالانه در آن و همکاری با برادرانش کشیده شد و بعد ها به صفوف کومه له پیوست و در مبارزه مسلحانه سهیم گردید و عاقبت متأسفانه در سال 1362 در یک درگیری جان باخت.

پرورش درچنین فضایی و ارتباط مدام با رفقا و فعالین کومه له در سالهای قبل از قیام و شرکت فعال این برادران در مبارزات سالهای بعد و شور انقلابی و افکار برابری طلبانه پشتوانه همه تلاش و مبارزه شان بود.

رفیق عطاً مدتی در اوآن قیام با سازمان پیکار ارتباط داشت. بعد به کومه له پیوست و تا هنگام مرگش با اتکا به تئوری مارکسیستی و اهمیت آن در مبارزه طبقاتی به مبارزه اش ادامه داد. او خوش برخورد و مهربان بود. همیشه لبخندی صمیمانه و خاص خود بر لب داشت. خصوصیات مثبت یک انقلابی کمونیست را میشد در شخصیتش دید و در کردار سیاسی و زندگی روزانه آنرا از خود بروز میداد. رفیق دوست بود. در قبال مسائل سیاسی با دیدی نقادانه و موضعی مستقل روبرو میشد. تابع نبود و نظراتش را بیان میکرد.

XXXX

در ظرف و زمینه‌ای که انتقاد را برنمیتابد و از مارکسیسم و تاکید آن بر اصل انتقاد خبری نیست و هرگونه اظهار نظر و مخالفتی با سیاست‌ها و روش‌های تشکیلات کارشکنی و ضدیت با حزب به حساب می‌آید و جو و فضا مساعد انتقاد کردن نیست، مستقل بودن و نظر دادن یعنی از آن‌ها نبودن، برخوردهای شکننده و نفی گریزانه تحویل گرفتن، بایکوت و منزوی شدن، یعنی طرد گردیدن. یعنی از حزب پرتاب شدن.

اعتقاد به آرمانهای انسان دوستانه و درپیش گرفتن خط فکری برابری طلبانه ای که امثال عطاً بدان معتقدند و این افکار و ایده ها گاهی بیشتر در برخورد با دنیای واقع و واقعیات های آن، پر از تناقض و تضاد مینمایند و چنین است که این مسئله و عوارض آن در روند تدریجی خود شاید برای مبارزینی چون عطاً مفاخری مانع و معضلی شود، که در جواب نگرفتن به حل معضلشان و ادامه آن، تأثیرات و عوارضش به یأس و بدبینی تبدیل گردد و راه برون رفتی نیابند و آن‌ها راه حل آن معضل و معضلات را با اقدام به نفی هستی خود جواب دهند.

علت تصمیم به خودکشی مبارزین و انقلابیونی چون عطاً را در چه چیز دیگری غیر از این میتوان جستجو کرد؟ اگر پای معضلات فردی و خصوصی خاصی در میان نباشد، که در مورد عطاً این تصمیم با مسائل خصوصی و فردی ربطی نداشته است.

XXXX

مرگ مبارزین

زندگی انسان در طول تاریخ با رنج و مشقت‌های عدیده ای توأم بوده است. زندگی مبارزین و آزادیخواهان علاوه بر مشقت زندگی انسانی و مختص به طبقات ستمدیده، زندگی مبارزاتیشان هم منشأ ناملایمات و سختی‌های بسیاری بوده و میباشد.

رنج های عرصه مبارزه، شکنجه های روحی و جسمی از طرف بیدادگران بر مبارزین دریند، گرسنگی و تشنگی کشیدن های شرایط های نامتعارف، زخمی شدن و بیماری‌های جانکاه و لاعلاج و محرومیت از امکانات پزشکی و در مقابل مرگ قرار گرفتن. مرگ خود و یا مرگ رفیق خود.

و مرگ در میدان های جنگ و در نبرد با دشمن، مرگ در سیاه چال ها و زندانها، بر سینه دیوار و بر دار، مرگ بر اثر تیرباران ها و اعدام ها، در حوادث و در اثر سهل انگاری و اشتباه ها، سهل انگاری های ناخودآگاه، چون مرگ رفیقی بدست رفیق دیگر و گاهی مرگ خود خواسته و پایان دادن به زندگی انسانی و مبارزاتی خود. نقطه پایانی به هستی خود. اتفاقی ناگوار در زندگی مبارزین. خود کشی در بستر زندگی. مرگ زندگی. مرگ انسان. دردی دیگر بر انسان. زخمی دیگر. مرگ. مرگ یک رفیق.

XXXX

مرگ خود خواسته

درخود فرو رفتن، فرو رفتن تا اعماق وجود. در اوج یأس و ناامیدی. در مانده. درمانده از خود. در جنگی میان خود و زندگی خود. دور شدن از خود و هستی خود. از خود بی خود شدن. در سیاهی رفتن. در سیاهی به دنبال هیچ بودن و رفتن. یأس و امید و جدال. باز یأس و جنگی میان بودن و نبودن. خود را فرسودن. به

طرف نیستی رفتن . مرز وابستگی ها را ، علایق و آرمانها را در نور دیدن ، فاصله های هستی بسوی نیستی را به سرعت طی کردن ، کشش بسوی مرگ . کشش ، کشش .

از زندگی دور شدن ، مقهور نیستی گردیدن . خود نبودن . جدال . در جدال بودن . جدال نهایی زندگی با مرگ...تهی شدن . و در یک لحظه بی مهابا تصمیم را به مرحله عمل در آوردن . نقطه پایانی به زندگی خود گذاشتن . مرگ خواستن . مرگ خود خواسته . پایان زندگی.

مرگ انسان در حیات بشری نقطه ای تیره و تاریک و غم انگیز است . مرگ مبارزان و آزادخواهان بیشتر نیستی است در مقابل هستی . اجتناب ناپذیری دردناکی است . پایان حیات آدمیست .

یاد رفقا عطا و صلاح مفاخری و همه جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرمی باد.

بهر روز شادیمقدم 5 . 6 . 2010

<http://shadochdt.wordpress.com>

shadi_behr@yahoo.de

مجموعه " یاد رفقای جان باخته "

۶ ۷ ۸ ۵ ۱ ۲ ۳ ۴ »»»» pdf

- یادخواهرم شاهدخت شادیمقدم (1) -

- یادرفقا فراهادامانته، عبه هوشیاربان، حمیدفرشچی، رضارشیدیان (2)

- یادرفقای جان باخته (3) رفقا محمدفتحی (لاله حمه)، امین گرگین، کریم نظری، صلاح ایزدی

- یادرفقای جان باخته (4) رفیق عبدالقادر وحیدی (دکتر درویش)

- یادرفقای جان باخته (5) رفقا محمدعلی وزیر، صادق (حمید) وزیر، محمود سجادی، عزیزه اعظمی

- یادرفقای جان باخته (6) رفقا نورج و صلاح میرزایی

- یادرفقای جان باخته (7) رفیق کمال قطبی

- یادرفقای جان باخته (8) رفیق ارسلان قطبی